

زیر آسمان فیروزمای

تمجید نوری بیلکه جیلان از «قصر شیرین»

ابعاد شگفت‌انگیز این فیلم



● **گروه هنر:** کارگردان برنده نخل طلای کن درباره فیلم «قصر شیرین» نوشت: «فیلم آن‌قدر به خود مطمئن است که حتی برای یک لحظه در تمام طول زمانش به انسجام و اصالتش لطمه‌ای وارد نمی‌شود. با وجود اینکه فیلم در فضا و زمانی محدود اتفاق می‌افتد، تمام زندگی به نحوی همان‌جاست.» به گزارش روابط عمومی «قصر شیرین»، نوری بیلکه‌جیلان در ادامه سخنانش درباره «قصر شیرین» و سیدرضا میرکریمی آورده است: او کارگردانی است که هر جزء، منفردی در فیلم را به نحوی شگرف تحت تسلط دارد؛ تصویر، صدا، دیالوگ‌ها، روان‌شناسی، آهنگ، شخصیت‌ها، شیوه‌های بیان، میمیک‌ها، رست‌ها و همه اینها را با یکدیگر هم‌ساز می‌کند. او به همه، واقعیت و زندگی می‌بخشد و ما را وادار می‌کند با ابعاد شگفت‌انگیز ذات انسان روبه‌رو شویم.براساس این گزارش، جیلان یکی از فیلم‌سازان محبوب سینه‌فیل‌های ایرانی به شمار می‌آید، همواره از سینمای ایران و به‌ویژه عباس کیارستمی به‌عنوان یکی از مراجع الهام خود یاد کرده است.نوری بیلکه‌جیلان که در سال ۲۰۰۱ در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر برای فیلمش «ابراهی بهاری» جایزه بهترین فیلم‌نامه را دریافت کرد، خیلی زود به یکی از کارگردانان محبوب جشنواره بین‌المللی فیلم کن تبدیل شد. او در کن، جایزه بزرگ هیئت داوران را برای «وردست»، جایزه بهترین کارگردان را برای «سه میمون»، جایزه بزرگ هیئت داوران را برای «روز روزگاری در آتاتولی» و نخل طلا را برای «خواب زمستانی» دریافت کرده است. جیلان چهار بار برنده جایزه فیپرشی (منتقدان بین‌المللی) و سه بار برنده جایزه بهترین کارگردان جوایز سینمایی آسیا واقیانوسیه شده است. او تاکنون بیش از ۹۰ جایزه سینمایی را برای هشت فیلمش به دست آورده است. نوری بیلکه‌جیلان همچنین ریاست هیئت داوران بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای را بر عهده داشت که در آن جشنواره، «قصر شیرین» به جایزه بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین بازیگر مرد را به دست آورد.در بیانیه هیئت داوران جشنواره شانگهای، درباره اهدای جایزه بهترین بازیگر مرد به حامد بهداد آمده است: «اجرای او پر از تخیل است. شیوه‌ای که با جزئیات سر و دار دارد، غیرمنتظره و فراموش‌نکردنی است.»

معرفی آثار داستانی جشنواره فیلم «حسانات»

● **گروه هنر:** بیست‌ویک اثر داستانی به بخش مسابقه هشتمین جشنواره فیلم «حسانات» راه یافتند.به گزارش ایسنا، به نقل از ستاد خبری هشتمین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسانات اصفهان، سیدمحمود رضوی، محمدحسین مهدویان، فریدون خسروی، نیما جاویدی، آرتنا موکویی، شاهین شجری‌کهن و محمدعلی باشه‌آهنگر اعضای هیئت انتخاب بخش فیلم کوتاه داستانی هشتمین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسانات هستند. این گروه از ۳۱ تیر کار خود را با بررسی ۶۹۵ اثر آغاز کرد و در نهایت ۲۱ اثر از شایسته حضور در بخش مسابقه ملی این دوره از جشنواره دانست.هنرمندان تهرانی با ۱۲ اثر بیشترین آثار راه‌یافته بخش مسابقه هشتمین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسانات را به خود اختصاص داده‌اند.هیئت انتخاب هیچ فیلمی را در بخش شهر در قاب تصویر شایسته حضور در بخش مسابقه ندانست.

اسامی فیلم‌های راه‌یافته به بخش مسابقه هشتمین جشنواره فیلم «حسانات»:

۱) «چه‌چره» به کارگردانی محمد کارت از تهران
۲) «در بین» به کارگردانی علی یاراستی از تهران
۳) «تالول» به کارگردانی مرتضی شمس از تهران
۴) «سورا» به کارگردانی وحید معصومی‌سرای ارومیه(۵) «مثل بچه آدم» به کارگردانی آرین وزیردقتری از تهران
۶) «شرعی» به کارگردانی داریوش شهبازی از تهران
۷) «کاور» به کارگردانی وحید الوندی‌فر از تهران
۸) «تفس» به کارگردانی فرشید ایوبی‌ژاد از تهران
۹) «عزیز» به کارگردانی سیدمهدی موسوی‌برزکی از کاشان
۱۰) «پورانس» به کارگردانی سوگل رضوانی از تهران
۱۱) «بازگشت» به کارگردانی شهریار پورسیدیان از رشت
۱۲) «خونسردی» به کارگردانی محمد رحمتی از تهران
۱۳) «دزانه» به کارگردانی مهرا ن امیری‌حسینی از تهران
۱۴) «گم و گور» به کارگردانی سیدهادی آقاپزری از یزد
۱۵) «گاو آمریکایی» به کارگردانی فاطمه طوسی از اهواز
۱۶) «چندیش» به کارگردانی رضا نجاتی از مشهد
۱۷) «بچه» به کارگردانی مصیب حایلی از تهران
۱۸) «دریای تلخ» به‌کارگردانی‌فاطمه‌احمدی‌ازتهران
۱۹) «تو هنوز اینجایی» به کارگردانی کتایون پیرم و محمد روح‌بخش از بندرعباس
۲۰) «سیندرلا» به کارگردانی مهدی آقاچانی از تهران
۲۱) «دریا موج موج می‌لرزد» به کارگردانی امیر غلامی از بوکان.



نمایش از فیلم قصر

سینا خزیمه: همه‌چیز از بیستم مردادماه ۱۳۲۰ شروع شد. خیابان امیرکبیر، کوچه سراج‌الملک، فرزند سوم – بعد از ایران و حسن و قبل از مهرانگیز و سعید– خانواده‌ای که آقامحمدتقی پدرش بود و بتول‌خانم مادرش. این خیابان که آغاز داستان مسعودشان بود، اول چراغ‌گاز نام داشت و بعدها شد چراغ‌برق. شاید هفت‌ساله بود که شد آن چیزی که باید می‌شد. آن زمان ال‌نگودار زنی که از سوراخی بلیت می‌داد، مسعود فکر می‌کرد که آنجا آمده‌اند برای عزاداری، او نور و تصویر بود که فهمانش آنجا کجاست؛ نوری که از اتاقک بالای سرشان می‌پاشید کنجکاو داشت. حسن آرام گفته بودش «اینجا سینما مایاکه». فیلم که تمام شده بود و بیرون آمده بودند، دیگر این مسعود، مسعود قبل نشد. آواره کوچه‌ها و سینماها و کتاب‌فروشی‌های سال‌های بعد بود. بتول‌خانم می‌گفت از هفت، هشت‌سالگی می‌دانسته است که این بچه دین و ایمانش سینماست. پدر نه، تا سال‌ها ندانسته بود که این کودک چه در سر دارد و در چه حد، جدی است. انگلیسی نمی‌دانست، حروف الفبای تیتراژ فیلم‌ها را نقاشی می‌کرد و نشان آنها که زنی می‌دانستند می‌داد تا بداند کارگردان و نویسنده و بازیگر و دیگر چیزها به انگلیسی چه می‌شود؟ همه‌چیز شبیه سکانسی از فیلم «سرپ» بود آن سال‌ها. همان صحنه‌ای که قبل از کت‌خوردن هادی اسلامی به نقش «نوری»، پولاد – فرزند مسعود – برای کوهیار و کامیار کلاری و شاهد احمدلو با هیجان فیلم تعریف می‌کرد. کرایه

کتاب ششی یک قرآن بود. سلیقه کتاب‌فروشی، سلیقه مسعود می‌شد. آن‌وقت‌ها آگاتا کریستی می‌خواند، «چهار تبکوار مخوف» کریستی را با ترجمه سیروس نبوی می‌خواند. بعدها راهش را پیدا کرد، صادق هدایت بود و بعدتر نصرت رحمانی، نویسنده سیاهی و شاعر تباهی. سینما رفتن در محله خیابان ری و کوچه دردار آسان نبود، گاهی از بعضی رفقاً هم پنهان باید می‌کرد، اما با بچه‌ها از همان کوچه دردار، خیابان ری و بخش کوچه آبشار و سواره امین‌حضور راه می‌افتاد و می‌رفت لال‌آزار که فیلم ببیند. پیاده هم می‌رفت، آن‌وقت‌ها تهران شلوغ نبود. مسعود کف خیابان‌های تهران زیبا و بی‌رحم را با کفش‌هایش کُرد کرده بود. شب که برمی‌گشتند، دور هم جمع می‌شدند مثل همان سکانس مذکور. مسعود بود که همه را جمع می‌کرد تا فیلمی را که دیده است تعریف کند و اتفاقا به سلیقه خود نیز تعریف کند و تحریف کند و آن‌قدر خوب داستان بگوید که منفردزاده موسی‌پدرکه تا هنوز بیشترین آثر بگوید تعریف‌کردن مسعود از دیدن خود فیلم رزبایر بود. رفقای آن روز و همکاران بعدتر، فرامرز قریبان بود و اسفندیار منفردزاده و حسین حسین‌زاده و نادر مرتای و احمد اکبری تازه ازدنیارفته و علیرضا پیردوست آن سال‌ها و سعید پیردوست بعدها. آنها که توانسته بودند به سینما بایند پول می‌گذاشتند که مسعودشان برود و شب، دلخوش به تعریف‌کردن او از فیلم بودند. بلوغ مسعود و رفقاً، همراه و هم‌آهنگ سال‌های سیاهی در سیاست ایران بود. به چشم دیدند خشونت و سیاهی را کف خیابان‌های تهران. آنها واژه مصدق را که به خون بر سنگ‌فرش خیابان نوشته شده باشد، دیدند. کودکی و نوجوانی‌شان در همین خیابان‌ها گذشت. هرچه پول بود، مسعود برای مجله‌خریدن می‌داد، امان بریده بود و کسی جلودارش نبود. پول آرایشگاه و حمام را می‌داد که سینما برود که مجله بخرد و بخواند، شاید هم ببلعد. بتول‌خانم وقتی هم که آقامحمدتقی به زندان افتاده بود نمی‌گذاشت مسعود برای سینمارفتن و مجله‌خریدن بماند. پولش را جور می‌کرد. آن‌وقت‌ها خانه‌ای داشت که به اتاق راه نداد ولی کیمیایی را راه داد. جوشنی که در کیمیایی بود، خاچیکیان را نمی‌گذاشت که «نه» بگوید. مسعود همه چیز را به آنی یاد می‌گرفت. آخر او ولع داشت، او عاشق بود، عاشق سینما بود. یک جا حتی همکاری هم کرد. به گفته خاچیکیان صحنه آخر فیلم «ضریت» آنجا که خانه آتش می‌گیرد و پیکر نیمه‌جان «آرمان» را بیرون می‌کشند و «بوتیمار» هم از خانه بیرون می‌آید، کیمیایی است که به‌جای آن باسباک صدایشگی می‌کند و می‌گوید: «بابا یکم عقب باین، چه خبره آخه»!

سال ۱۳۳۸ یا ۱۹۵۹ بود که جان کاساویتس

فیلم «سایه‌ها» را ساخته بود و سنت آن سال‌های

سینمای آمریکا را برای مخارج بالای یک فیلم، به هم

زده بود؛ فیلم را به سیاق ۱۶میلی‌متری فیلم‌برداری

کرده بود و روی پورتیو ۳۵ چاپش کرده بود. مسعود

به مناسبت تولد «مسعود کیمیایی»

فیلم که تمام شد، این مسعود، مسعود قبل نشد!



نمایشی از فیلم دریاچه گر

و بچه‌ها سراغ رادیوسازی در میدان فوزیه رفته بودند تا تهیه‌کننده بشود و ۱۵ هزار تومان آنها را بدهد که فیلم بسازند. مانده‌اش را هم پدر مسعود بدهد، حتی همان زمان منفردزاده پبله مادرش می‌کند که خانه را بفروش با مسعود می‌خواهم فیلم بسازیم. گذشت و نشد. دو سال بعد از فیلم «ضریت» وقتی که در منطقه یادگان رینه، خاچیکیان فیلم «خداحافظ تهران» را فیلم‌برداری می‌کرد، مدیر تهیه فیلم خبر آورد که جوانی را برادران اخوان استودیو مولن‌روژ فرستاده‌اند که دستیار تو باشد. خاچیکیان دلخور شده بود از اخوان‌ها که چطور بی‌هماهنگی‌اش کسی را فرستاده‌اند اما جوان را که دید، دانست همان «مسعود» خودمان است. مسعود آن‌قدر لبالب از عشق و ولع بود که تمام گروه فیلم‌برداری او را پذیرفتند و زود دستیار خاچیکیان شد. او خوی جوانمردی هم داشت. از همان جنسی که آدم‌های فیلم‌هاش دارند. بتول‌خانم می‌گفت کیف و کتاب و قلمش را به بچه‌های مدرسه می‌داد که نداشتند بخزند. وقتی «پاک‌نژاد» طراح صحنه فیلم «خداحافظ تهران»، نارنجک مشقی در دستش منفجر شد و سوخت، آمبولانس‌های ارتش آنجا نبودند، مسعود کیمیایی بود که او را در آغوش کشید و با ماشین شخصی برد به بیمارستان حسن‌آباد.

باری، بالاخره شد آنچه باید می‌شد. مسعود دیگر وارد سینما شده بود. با بهروز وثوقی رفیق شده بود در فیلم خاچیکیان. وقتی از برادران اخوان خواسته بود که تهیه‌کننده فیلم شوند، آنها از کیمیایی فیلمی خواسته بودند به‌عنوان تست، که ببینند اصلا فیلم‌سازی بلد هست یا نه. احمدرضا احمدی که جان و جهان کیمیایی بود از ۱۵سالگی –سال ۱۳۳۵ تا همین حالا– آن روزها تمرین بازیگری می‌کرد که در فیلم «سپاوش در تخت جمشید» فریدون رهنما بازی کند. احمدی و فرامرز قریبیان و اکبر معززی شدند بازیگران آن فیلم ۱۰ادقیقه‌ای که مستوره نام داشت. فیلم‌برداری یک هفته طول کشید. اسماعیل دین‌محمدی فیلم‌برد بود و منفردزاده موسیقی را ساخته بود و مهدی راجیان برش کار بود و منوچهر اسماعیلی هم صدایشگی کرده بود. پسر اخوان که فیلم را دیده بود شبیه فیلم‌های آنتونیونی است و کیمیایی را قبول کردند که فیلم بسازد. «بیگانه بیا» را کیمیایی در همان فضا ساخت که از کانون فیلم و فرخ غفاری می‌آمد. بوی ایران نمی‌داد، فرنگی بود. پرویز دواپی گفته بود «سال گذشته در مارین‌باد» را فرنگی‌ها خودشان می‌سازند، تو فیلم خودت را بساز. کیمیایی دیگر آهنگ قیصرنوشتن و قیصرساختن کرد.

کیمیایی به همان کودکی آبخشوری از داستان و تصویر شده است. او هوشی ذاتی دارد. کتاب می‌خواند و سیاست و فرهنگ و ادب این خاک را دنبال می‌کند و آنچه از هوش سرشار او و ناخودآگاهش می‌تراود، تازگی و طراوت است. ناپ ناپ است. فریدون او برای اردشیر محصلص تعبیری را به کار می‌برد که گمان می‌کنم برای کسی مانند مسعود کیمیایی نیز مصدق دارد. او می‌گفت «بعضی افراد انگار هنرثاقربتی دست خودشان نیست، اینها آبروی هنر می‌شوند». کیمیایی نیز چنین است. بسیاری از رفقای هم‌سل روشنفکرش در سینما نیز مستقیم و غیرمستقیم از پُلی گذشتند که کیمیایی آن را ساخت. آیینی آن دوران به‌ویژه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بیش از آثار هر فیلم‌سازی در آن دوران در آثار کیمیایی محسوس است. او حالا اهل دکمه و رایانه و سیستم‌ها نیست. او از نسلی است که بوی نکاتیو را حس کرده و حالا گاه مواجه است با کسانی که نه‌فقط آن تربیت و آن نسل را نمی‌شناسد؛ بلکه به استهزای آن هم برمی‌خیزد. این نسل برای دیدن یک تصویر، خون دل نخورده است و همه‌چیز را به‌زیر می‌دیده است و خوانده است و داشته است و ممکن است غافل باشد از اینکه نکین خوش نقش‌ونگار این سینما کیمیایی و هم‌نسلان او هستند و این غفلت نحس را من می‌نویسم که نوشتنش شگفتش است. مسعود کیمیایی ۷۸ساله است؛ اما حالا عمری هزارساله داشته است؛ به همان قد که شش دهه برای این ملت فیلم ساخته است و داستان و شعر نوشته است و مهر خود را بر تاریخ و فرهنگ این مملکت ابدی کرده است. مسعود کیمیایی یک عاشق است، او همان عاشق سال‌های دور و غریب این سال‌ها است.

زیر درختان زیتون

بیانیه کانون کارگردانان برای حکم «محمد رسول‌اف»



● **گروه هنر:** در پی صدور حکم زندان برای «محمد رسول‌اف»، فیلم‌ساز ایرانی، کانون کارگردانان سینمای ایران خواستار تجدیدنظر در این حکم شد.به گزارش کانون کارگردانان، در متن بیانیه شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمای ایران آمده است: «هنرمندان سرمایه‌های فرهنگی هر کشوری هستند، متهم‌کردن آن‌ها به جرایم امنیتی و مجازات زندان برایشان در شان دستگاه قضایی نیست.کانون کارگردانان سینمای ایران خواستار لغو حکم زندان و ممنوع‌الخروجی آقای محمد رسول‌اف نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده سینماست. امیدواریم مقامات قضایی با دوراندیشی، همتی عاجل و دستوری مناسب برای رفع این حکم اقدام کنند».

نمایش مستندی درباره «احمد شاملو» با حضور محمود دولت‌آبادی

در آستانه یامداد



● **گروه هنر:** آیین رونمایی فیلم مستند بلند «در آستانه یامداد» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مختار شکری‌پور درباره آثار و عملکرد «احمد شاملو» درحوزه‌های مختلف فرهنگی، امروز هشتم مرداد ساعت ۱۶:۳۰ در خانه گفتمان شهر (واطان) با حضور شخصیت‌های ادبیات و هنر برگزار خواهد شد.محمود دولت‌آبادی، محمد بهارلو، جواد طوسی، موسی بی‌دج و محمدعلی بهمنی ازجمله چهره‌های هستند که در این برنامه خواهند داشت.مختار شکری‌پور در این مستند که اخیرا توسط مؤسسه فرهنگی هنری «قطعه تعریف» وارد شبکه خانگی شده است، به شعر، سبک و بیان زبانی خاص، ترجمه‌های شاملو، پژوهش‌های وسیع او در زمینه فرهنگ عامه ازجمله‌کتاب کوچه، کارهای گوناگون او در زمینه ادبیات و شاعران کلاسیک و همچنین دیدگاه‌های وی درباره شاعران بزرگ شعر فارسی پرداخته است.این مستند دربرگیرنده گفتارهایی از چهره‌های سرشناس ادبیات و هنر معاصر ایران شامل: محمود دولت‌آبادی، زنده‌یاد سیمین بهبهانی، شهرام ناظری، مسعود کیمیایی، جواد مجابی، زنده‌یاد علی اشرف درویشیان، ایران زوددی، محمدرضا اصلائی، محمد بهارلو، علی رفیعی، احمد پوری، محمد شمس‌لنگرودی، حافظ موسوی، علی دهباشی، موسی بی‌دج، محمد یعقوبی و آیدا شاملو است. اجرای شعری از شاملو با ساز و آواز «شهرام ناظری» از دیگر بخش‌های این مستند است. گفتارهایی از چند شاعر مطرح جهانی درباره شاملو و شعرهایش شامل: کلارا، خانس شاعر اسپانیایی، لین کافین شاعر آمریکایی و خوان خلمن شاعر آرژانتینی درباره شاملو نیز در این فیلم آمده است. این گفتارها برگرفته از اثری ویدئویی با عنوان «ترانه آبی» است. علاوه بر این شاعران، سخنانی از زنده‌یاد شیکرو بی‌کس، شاعر فقید معاصر کرد نیز درباره شاملو و شعرهایش در این مستند آمده است. مختار شکری‌پور پیش از این مستند دیگری با عنوان «پرواز در دایره حضور» درباره زندگی و شخصیت احمد شاملو ساخته که علاوه بر حضور در بخش مسابقه هفتمین جشنواره سینما حقیقت، سال ۹۲ توسط مؤسسه فرهنگی هنری قرن جدید در شبکه خانگی منتشر شد. در این مستند آمده است. مختار شکری‌پور پیش از این مستند دیگری با عنوان «پرواز در دایره حضور» درباره زندگی و شخصیت احمد شاملو ساخته که علاوه بر حضور در بخش مسابقه هفتمین جشنواره سینما حقیقت، سال ۹۲ توسط مؤسسه فرهنگی هنری قرن جدید در شبکه خانگی منتشر شد. در این مستند علاوه بر این دو مستند، مستندی نیز با عنوان «آیدا در آینه شاملو» ساخته که تاکنون در دهمین جشنواره تصویر سال، چهارمین جشنواره پروین اعتصامی و هشتمین جشنواره سینماحقیقت حضور یافته و نامزد بهترین مستند نیمه‌بلند بهترین جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران نیز شده است.

نمایشگاه نقاشی گروهی در فرهنگ‌سرای اندیشه

● **گروه هنر:** نمایشگاه نقاشی گروهی به سرپرستی بابک بابایی و با حضور ۲۰ نفر از هنرمندان این عرصه ۱۲ تا ۱۷ مرداد در فرهنگ‌سرای اندیشه برگزار می‌شود. افتتاحیه این نمایشگاه روز ۱۲ مرداد از ساعت ۱۶ الی ۲۰ خواهد بود. در این نمایشگاه آثاری از رویا آقاخانی، لاریس آندونیان، نیلوفر امینی، نیکي پاشانی‌منفرد، ویدا جمشیدی، شادی حیدری، افسانه خابنده، شیرین شاهد، پروانه عباس‌آباد، نقایق فغانی، فاطمه فغانی، شیرین فرهنگ‌پور، مریم کوشکانی، ثنا کیایی، غزاله کیایی، سازاز مختارزاده، سوسن میرفتاح، الهام هوشمند و میترا هوشمند به نمایش درمی‌آیند.